



مهدی سلحشور
@MahdiSalahshur

بعضی ها هم هنوز رویاهایی دارن و فکر می کنن
اگر روی موج #حجاب سوار بشن و عقب بشینن از
واجب الهی بختشون باز میشه و به #گندم_ری
میرسن!

نه مهندس جان! همون دخترایی که فکر می کنی
ضد حجاب هستن، صدبرابرش ضد دورویی و نفاق
مسئولین هستن.

Translate Tweet



"مداح محترم و جاهل"

مداح عزیز

از آن جهت که خادم اهل البیت هستید، برای ما محترم و عزیزید، اما نسبت به

"عقل سیاسی" قویا شما را "جاهل" می دانیم

"واجب الهی" برای "مسلمانان" است نه همه!

وقتی دختری اسلام را انتخاب نکرده، بیخود می کنید از واجب الهی برایش

صحبت می کنید که همینطور همه را از اسلام عزیز و الله تعالی زده می کنید!

کل عالم "قم المقدسه" آن هم محله ی روحانیت عزیز و محترم نیست!!!

خسته نمی شوید از این همه افکار جزیره ای و صنفی؟!؟

خسته نمی شوید از این همه تعیین فرم و ظاهر برای افراد!؟

به همین سادگی یک مسئول مؤمن و متعهد را با "عمر سعد ملعون" یکی کردید!؟

گندم ری!؟

درست خواندیم! گندم ری!؟

به همین سادگی برای چندین هزار نفر ذهنیت موهوم ایجاد کردید که برادر

مؤمنتان "منافق" است!؟!؟

آخرین باری که مداح محترم دیگری رئیس مجلس کنونی را با عمر سعد یکی

دانسته بود، رهبری چند سال دعوتشان نکردند بیت و از ایشان ناراحت بودند،

تا آن مداح عذر خواهی کرد و جبران کرد...

شما هم تا دیر نشده سلحشوری کنید

حرفهای جاهلانه تان، تهمتهای موهومتان، عرایض افتضاحتان را پس بگیرید، وگرنه بعید می دانم دیگر حتی مداحی هایتان برای اهالی قم المقدسه هم دلخواه باشد!

ما کی از دست افکار "مرحوم آقای مصباح و شما شاگردانش" آزاد می شویم! البته شما و آقای مصباح و همه ی مؤمنان روی چشم ما ولی ما معتقد به "اسلام و انقلاب خمینی" هستیم نه هیچ حاج آقا و آیت الله و هیئت و مداح و حوزة و حزب و باند و گروه و کذا...

تا به کی فریاد بزنیم؛ "آی مردم اینها بچه های مصباح هستند نه خمینی!" رهروان هر که هستند، رهرو خمینی حکیم و زمان شناس و مردم شناس نیستند انقلاب خمینی با افکار مرحوم آقای مصباح و علم الهدی و دیگر محترمین تفاوت دارد!

کاش سرتان را بلند می کردید، همت به خرج می دادید و مقداری هم پای دروس آقای جوادی آملی تلمذ می کردید، شاید بیشتر با "حقیقت فلسفه ی اسلام و انقلاب عزیز" آشنا می شدید که اسلام "انتخابی" است نه "اکراهی" "تعلیمی و تحقیقی و تعقلی" است نه "تحمیلی"

شما بگو برادر مهدی، آقا پسری یا خانوم دختری که دین اسلام را نمیخواهد چه باید بکند؟

برود بمیرد؟!!

ایرانی است، اصلا جدای از ایرانی بودن "انسان" است، دین را فعلا انتخاب نکرده، اصلا نمیخواهد دین را، چه باید کرد با او؟

با او دیگر نباید با حلال و حرام سخن گفت، او با "قانون" مواجه است، همه جای جهان هم قانون دارد، ما هم داریم

ما در قانونمان هیچ نداریم که بی حجاب باید دستگیر شود، چون حکم الهی را اجرا نکرده!

اگر بی حجاب باید دستگیر شود چون حکم الهی را اجرا نکرده

پس کسی که ریشش را تراشیده و به قول طلاب "صدق ریش" ندارد هم باید دستگیر شود دیگر! چون حکم الهی را اجرا نکرده

بچه ای که حرف پدر مادرش را گوش نکرده هم حرام انجام داده، دستگیر!

بی نماز هم دستگیر

روزه خوار هم دستگیر

بی سواد هم دستگیر

دروغ گو هم دستگیر

تهمت زن هم دستگیر

این انقلابی که در ذهن شما ساخته شده است "تنگ" است، هیچ آزاد اندیش و

آزاد منشی از آن عبور نمی کند!

در انقلاب ذهن شما به انسانها "نمره" داده می شود نه "اندیشه"!

انقلاب خمینی نیامده تا به کسی نمره بدهد، بلکه آمده دستش را دراز کرده تا از هر که کمک خواست "دستگیری" کند
شما هر قدر میخواهید "دستگیر" کنید، اما فرزندان خمینی کارشان "دستگیری" است

(البته منظور دستگیر کردن دشمنان و مخلان امنیت نیست، که بهترین راه دستگیر کردن آن وحشی هاست)
دیگر چطور رهبری بگویند؛ "دعوا سر حجاب" نیست...
مگر ضرغامی چه گفت؟

در همان دانشگاهی که آن ماجرای مفتضح به بار آمد وارد شد و همه شان آمدند و گفتگو کردند و ماجراها تبیین شد

همان حرف رهبری را تبیین کرد، مجاهدانه! نه تنگ نظرانه، نه عقده ای، نه پایدارچی! نه مورد پسند این طرف و آن طرف

آقای سلحشور، آقای جبهه پایداری، آقای صدیقی، آقای ستاد امر به معروف!
که حالمان را بهم زدی و میزنی"، آقای صدا و سیما بشنوید، بفهمید؛

ایران فقط "یک جماعت خاص از مؤمنین قم و مشهد" نیست!

بگذار راحت کنم، ایران فقط "مسلمانان" نیستند، اگر نمی توانید برای "بی دین ها" برنامه داشته باشید بیخود می کنید دم از "حکومت الهی" می زنید، حکومتی حق است و الهی که بتواند بر "انسان" حکومت کند نه فقط بر "مسلمان"، چرا که هر مسلمانی اول انسان است بعد مسلمان و وظیفه ی حکومت الهی "ایجاد بستر تکامل انسانهای سرزمینش است"

بیشتر از هر زمانی به این مهم اهتمام بورزید، وگرنه بیشتر از هر زمانی "منزوی و منفور" خواهید شد، چرا که بیشتر از هر زمانی "قدرت و منصب" پیدا کرده اید؛
یک زمانی فقط "رادیوی معارف" تریبون شما بود و تمام هنر و افتخارتان این بود که موسیقی پخش نمی کنید!

اما فی الحال که تمام صدا و سیمای "غیر خواستنی و غیر جذاب" شده برای شما و دوستانتان، مراقب باشید، که نیستید!

مراقب باشید رسانه ملی تبدیل به رسانه ی سلیقه ای چند "بچه مشهد و بچه قم" نشود...

راستی چرا انقلاب و اسلام شما اینطور "ضعیف و شکننده" است که وابسته است به موی تعدادی محدود!؟!

چرا مانند ابلهان موی تعدادی خانوم را قیاس می کنید با خون شهدا!!!
شهدا برای مو نرفتند، آهای!

برای نجات رفتند، برای تعالی رفتند، برای ایران رفتند، و از همه مهم تر برای اسلام رفتند، همین اسلام خمینی و خامنه ای که "نجات" می دهد نه "نمره"
اگر دم از شهدا می زنید بسم الله بروید مانند ضرغامی دانشگاه صنعتی شریف ببینیم قادر هستید با دانشجویان غیر بسیجی و غیر حزب الهی و غیر مذهبی

چند کلمه صحبت کنید!؟

شما تمام دین را در شلوار گشاد و پیراهن گشاد آن هم روی همان شلوار گشاد معنا می کنید! و هر کس اینطور نبود از دید شما از خدا دور است! با کسی که از خدا دور است هم که صحبت نمی کنند، طردش می کنند، تحویلش نمی گیرند! به خدا قسم که از خدا دور است افکار غیر معقول شماها برادر با خدا!

کدام شهید وصیت کرد که بی حجاب ها بد هستند چون حکم الهی را کذا...! کدام شهید جامعه را به با حجاب بی حجاب تقسیم می کرد!؟ آقای سلحشور برادر آن آقای سلحشور فهیم و بصیر، آن زمان که برادران مدام جلسه و نشست و برخاست داشت با بازیگران خانوم کاملا بی حجاب در پشت صحنه های فیلم هایش، بخصوص سریال حضرت یوسف، آیا به حجابشان تذکر داد!؟

آیا سخنی گفت از "واجب الهی"!

نگفت، هیچ نگفت... بعد شما خطاب به برادران هم گفتید گندم ری و عمر سعد و منافق و دورو!

نه نگفتید، هیچ نگفتید

آقا مهدی سپاهی بسیجی طلبه!

خون "حاج قاسم" هنوز خشک نشده است!

لااقل در کنار افکار آقای مصباح و آقای صدیقی و دیگر علمای بزرگوار سری هم به افکار عاقل بزرگوار، شهید سلیمانی بزن

به دوستان هم بگو برادر عزیز، اگر افکار "حاج قاسم" را که یکی از جلوات خورشید خمینی است فهم و درک کردید، آنگاه آرام آرام می توانید به آن خورشید عالم تاب، خمینی کبیر، نجات دهنده ی انسان ها از جمود و تعصب و پوچی در عصر حاضر "رجوع" کنید و سیرتان را در ذیل او قرار دهید، همان امام خمینی ای که خطاب به "مجتهدین در خبرگان رهبری" یکسال بعد انقلاب فرمود؛

"من سفارش می کنم به آنهایی که خدای نخواستہ یک آرایی دارند بر خلاف مسیر ملت، من سفارش می کنم به آنها، که طرحشان را و آرایشان را بگذارند برای یک وقت دیگری و یک وقتهای دیگری این کارها را بکنند، حالا وقت این نیست که آرائی که خلاف مسیر ملت است اظهار بکنند و حیثیت خودشان را در بین ملت از بین ببرند. من میل ندارم حیثیت آقایان از بین برود در بین ملت. اگر در این مجلس یک چیزهایی و یک حرفهایی زده بشود که برخلاف مسیر ملت است، اینها و جاهت خودشان را از بین ملت می برند و خدای نخواستہ بعدها برایشان خیلی نفع ندارد.

همان مسیری که ملت داشتند، همین چیزی که اگر می خواهید مطابق با میل خودتان دموکراسی عمل بکنید، دموکراسی این است که آراء اکثریت، و آن هم

این طور اکثریت، معتبر است؛ اکثریت هر چه گفتند آرای ایشان معتبر است ولو به خلاف، به ضرر خودشان باشد. شما ولی آنها نیستید که بگویید که این به ضرر شماست ما نمی خواهیم بکنیم. شما وکیل آنها هستید؛ ولی آنها نیستید. بر طبق آن طوری که خود ملت مسیرش هست. شما هم خواهش می کنم از اشخاصی که ممکن است یک وقتی یک چیزی را طرح بکنند که این طرح برخلاف مسیر ملت است، طرحش نکنند از اول، لازم نیست، طرح هر مطلبی لازم نیست. لازم نیست هر مطلب صحیحی را اینجا گفتن. شما آن مسائلی که مربوط به وکالتان هست و آن مسیری که ملت ما دارد، روی آن مسیر راه را بروید، ولو عقیده تان این است که این مسیری که ملت رفته خلاف صلاحش است. خوب، باشد. ملت می خواهد این طور بکند، به ما و شما چه کار دارد؟ خلاف صلاحش را می خواهد. ملت رأی داده؛ رأی که داده متَّبِع است. در همه دنیا رأی اکثریت، آن هم یک همچو اکثریتی، آن هم یک فریاد چند ماهه و چند ساله ملت، آن هم این مصیبت‌هایی که ملت ما در راه این مقصد کشیده اند، انصاف نیست که حالا شما بیاید یک مطلبی بگویید که برخلاف مسیر است. یعنی انصاف نیست، که نمی شود هم، پیش نمی رود. اگر چنانچه یک چیزی هم گفته بشود، پیش نمی رود؛ برای اینکه اولاً مخالف با وضع وکالت شما هست و شما وکیل نیستید از طرف ملت برای هر چیزی. و ثانیاً بر خلاف مصلحت مملکت است، برخلاف مصلحت ملت است؛ برخلاف مصلحت خود آقایان است."

آقای سلحشور سلام این کمترین که ارزشی ندارد، سلام آن بهترین، یعنی امام روح الله را به همه پایداری چی ها برسانید بگویید؛ "امام فرمودند شما وکیل مردم هستید، نه ولی آن ها"

